

کیانوش رستمی مدالهایش را تقدیم مقام معظم رهبری نمود

رستمی، جهان را بالای سر برد

ورزش /



ضیمه را بگاه روز / شبکه



اقتصاد و صنعت /

دیپرستاد هدفمندی بارانه‌ها اعلام کرد:
یارانه اقشار مرphe در آینده‌ای
نزدیک حذف می‌شود

شنبه / ۳

در جلسه شورای اسلامی شهر اصفهان تصویب شد:
فروش سه هزار میلیارد
ریال اوراق مشارکت به
منظور رفع بخشی از
مشکلات متروی اصفهان

فرمخت و هنر / ۴

اولین جشنواره ملی شعر
کودک در شاهین شهر
با معروفی برگزیدگان
به انتهای راه رسید

چاهه / ۵

رییس شورای اسلامی شهر اصفهان از دادستان کل کشور خواستار شد:

قوه قضائیه برداشتهای بی رویه از زاینده‌رود را پیگیری کند

شورا / ۳

میزگردی اختصاصی در اصفهان زیبا

مسوولیت پیشگیری از آسیب‌ها

و جرائم اجتماعی، دست به دست می‌گردد

آمار آسیب‌های اجتماعی مطرح می‌شود
گریخته به گوش می‌رسد، مدتی ذهن‌ها را
حل کردن آن در برابر کوهی از جرائم
اجتماعی، حتی از دیدگاه برخی از
مشغول و نظرهارا جلب می‌کننداما بازده لایل
واقعی و غیرواقعی
مسوولانی که در این
همچون خلا قانونی،
کمبود بودجه، کمبود
صاحب اختیار
هستند، اوتوپت
نیزروی متخصص،
آسیب‌ها همچنان رسیده
دست چند می‌شود
تا جایی که پیشگیری
نمی‌داند تا الاخره به
جرائم تبدیل شود.
در جرائم اجتماعی راجزو برخانمدهای دور
آنچه متعلق به اعتقاد وواجه می‌شود با
دست و حتی احساسی برای رسیدن به
طلایق، کودک آزاری، همسر آزاری، کودکان
خیابانی، ایدز و دیگر خشونت‌های خانگی هم
نجوانان فراری، زنان بی خانمان، خیانت‌های
راحتکارانه مقابله با آن دعاکتریک طرح
اخلاقی و قتل‌های خانه‌ای می‌آید.
آسیب‌های اجتماعی مانند بر روی کاغذ
تئوریک و برناهه‌هایی مانند بر روی کاغذ
است و در عمل، راه حل می‌ماند و می‌آید تا از دل آنها
مفصل رشد کرده و بارور شود تا به عنوان
آسیب اجتماعی مطرح شود.

چاهه / ۶

معاون اداری مالی شهرداری اصفهان:

آزادسازی فاز دوم میدان امام علی (ع) دی‌ماه به پایان می‌رسد

تغییر / ۴



ایران / ۴

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و قائم:
مقام دبیر کل جامعه اسلامی مهندسین:

داوطلبین انتخاباتی از
کانون‌های قدرت و
ثروت دوری کند



مهندس مرتضی نبوی در نشست جامعه
اسلامی مهندسین اصفهان با اشاره به صحبت‌های
مقام معظم رهبری مبنی بر پیهی داوطلبین شرکت
کننده در انتخابات اخبار داشت: با توجه به اینکه حضور
ثروت و قدرت اخبار داشت: با اینکه حضور
در انتخابات و شرایط تبلیغات انتخاباتی نیاز به
هزینه‌هایی دارد برخی از افراد برای تأمین هزینه
های انتخاباتی خود به مراکز قدرت و ثروت نزدیک
می‌شوند به گزارش خبرنگار اصفهان زیبا، عضو
جمع تشخیص مصلحت نظام ضمن بیان اینکه
کانون‌های ثروت در صورت حمایت از افراد آنان
انتظار راتکه مخفی مختلف را دارند افزود: حمایت
مراکز قدرت و ثروت بوده و نماینده‌ان هامحوب
معنای سوءاستفاده از بیت المال است. وی ضمن
بیان اینکه در این صورت نیز نماینده وارد شده به
مجلس دیگر نماینده ملت خواهد بود بلکه وابسته
به مراکز قدرت و ثروت بوده و نماینده‌ان هامحوب
می‌شود تصریح کرد: نماینگان مجلس و سایر
مسئولین باید از شخصیت مستقل بوده تا بتوانند
از منافع ملی و دینی و مصالح نظام دفاع کنند.

High Glossy A310 - بازده و پایه زیبا

No.1 5 Years

شانم اول فروش جهانی برای
سال متوالی به مکاران موسسه
تبلیغاتی ۱۰۰

مانیتور سامسونگ بازده

Hair Line Gray Line Red Line V Stand

18.5" 20" 18.5" 20" 18.5" 20" 18.5" 20"

20" 20" 20" 20"

سری ۳۱۰ ۲۰" & ۱۸.۵"

بیش از ۵۰٪ کالتسل معرفت اینزی - قابلیت تنظیم روش‌نایابی صندوقه به سیزان دلخواه خود می‌بینیت معرفت اینزی (Magic Angle) - قابلیت
نمایش شدن خودکار چوت مرده جویی در معرفت اینزی (offimer) - زویه دید چوت‌العاده با قابلیت Magic Angle - هدایت‌کننده - طراحی متنوع زیبا
با رنگ آهنه‌برگی برای مجهز به ورودی DVI درستی ۲۰ اینچ

SAMSUNG

درخشش بی‌نظیر و کسب عنوانین برتر ششمین جشنواره مطبوعات و خبرگزاری‌های
استان و فرا استانی توسط همکاران شما در روزنامه اصفهان زیبا و خبرگزاری ایمنا را
تبریک عرض نموده، دوام توفیقات حضر تعالی را آرزومندیم.

شرکت چاپ رسانه برتر

اصفهان زیبا را در صفحه زیبا ببینید.

جناب آقای مهندس حاجی رحیمیان
سردبیر محترم روزنامه اصفهان زیبا

کسب رتبه برتر توسط آن روزنامه را به حضر تعالی و همکاران محترمان صمیمانه
تبریک گفته و از درگاه ایزد منان برای همگی شما که در راستای اطلاع‌رسانی
به مردم عزیز تلاش می‌نمایید، آرزوی موفقیت و بهروزی داریم.

روابط عمومی شرکت پالایش نفت اصفهان



هیلری های کشور در مصلی امام خمینی (ره) تهران هر روز از ساعت ۹ مسح تا ۱۶ میزبان علاقه مندان است.

شهرداری مردم مدار، برنامه محور، خدمت، سان و الکترونیک شعار شهرداری اصفهان در نمایشگاه دومین نمایشگاه جامع مدیریت شهری و دستاوردهای شهرداری های سراسر کشور افتتاح شد

حمل و نقل شهری، شهرداری الکترونیک، امور اجتماعی و فرهنگی و آموزش و پژوهش شهری، اقتصاد شهری و فرصت های سرمایه گذاری و هدفمندی پردازه ها. همچنین بخش ویژه مدیریت پسمندها به منظور معرفی پروژه های مدیریت پسمند استان ها و شهرداری ها بخش ویژه استفاده شهرداری ها از انژری های نو، برگزاری کارگاههای آموزشی تخصصی و برایی بخش ویژه دهیاری ها از دیگر بخش های عملده دومنین نمایشگاه جامع مدیریت شهری و دستاوردهای شهرداری هاست.

این نمایشگاه که از ۲۱ تا ۴ آبان از سوی سازمان شهرداری ها و

خبر گروه شهر

دومین نمایشگاه جامع مدیریت شهری و دستاوردهای شهرداری های شهر با حضور وزیر کشور گشایش یافت.

نمایشگاه جامع مدیریت شهری و دستاوردهای شهرداری های کشور ۳۰۰ شهرداری کشور آخرین دستاوردها و اقدامات ۴ روز بیش از شهرداری کشور آخرين مرضی دستاوردها و اقدامات عملکرد خود در موضوعات متنوع راعرضه و بیش از ۲۰۰ شرکت و مؤسسه بخش خصوصی نیز آخرین محصولات و خدمات خود در حوزه بیرونیت شهری را به نمایش می گذارند.

شهرداری اصفهان نیز با شعار شهرداری مردم مدار، برنامه محور و

آزادسازی فاز دوم میدان امام علی (ع) دی ماه به پایان می‌رسد

ا هدف تقویت هویت شهر و خاطره جمعی شهروندان؛

بناهای و باغ‌های تاریخی جنوب میدان امام (ره) احیا می‌شود

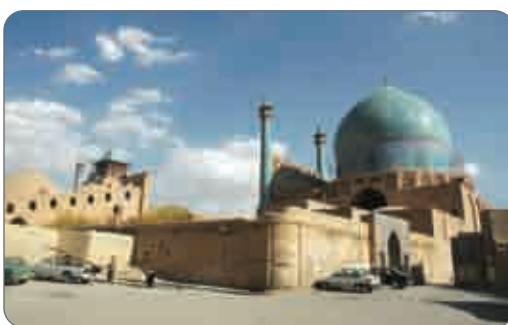
خبر گروه شهر

بافت فرسوده جنوب میدان سام(ره) با هدف احیای استخوان بندهای شهر از طریق حفاظت بناها و باغهای ریختی ساماندهی می‌شوند.

مدیرعامل سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان با بیان این مطلب گفت: ر محله جنوب میدان امام (ره) عناصر رزمند تاریخی وجود دارد که هم جواری با میدان امام (ره) و مجموعه دولتخانه صفوی عبور مادی فرشادی از ویژگی‌های آن است به احیای آن‌ها از جهت تقویت هویت اریختی شهر و خاطر جمعی اهمیت می‌یابد.

مهندس جعفری بیان کرد: با احیای این محدوده فضاهای خدماتی مناسب حد فاصل زارچه حسن آباد، مادی فرشادی و خیابان ستانداری ایجاد می‌شود.

وی به دیگر اهداف اجرای طرح ساماندهی جنوب میدان امام (ره) اشاره کرد و افزود: راهنم نمودن زیر ساخت‌های مناسب برای مشارکت مالکین و ساکنین انجام می‌گیرد.



با هدف ایمن‌سازی ورودی شهر از سمت ارغوانیه؛

مناطق
گروه شهر

نم میوه در این فاز نیز
وی از پیشرفت فیزیکی
الرزاق حدود ۹۵ درصد و
برداشت و گست: ارزش ریالی
دوم، تاکنون حدود ۷۰۰
ظ حقوق مالکین در طرح
برضایت صاحبان املاک
ت گرفته است.
براینکه شهرداری اصفهان
عمل می کند عنوان کرد:
باچالی تاسیسات از جمله
گاز و مخابرات با همراهی
دان



نم میوه در این فاز نیز
وی از پیشرفت فیزیکی
الرزاق حدود ۹۵ درصد و
برداشت و گست: ارزش ریالی
دوم، تاکنون حدود ۷۰۰
ظ حقوق مالکین در طرح
برضایت صاحبان املاک
ت گرفته است.
براینکه شهرداری اصفهان
عمل می کند عنوان کرد:
باچالی تاسیسات از جمله
گاز و مخابرات با همراهی
دان

دیرعامل شرکت واحد اتوبوس رانی اصفهان
اتوبوس رانی اصفهان ۱۸ میلیارد
به تأمین: اجتماعی بده، داد

خبر
گروه شهر
آزادسازی فاز دوم پروژه احیای میدان امام علی(ع)
دی ماه به پایان می رسد.
معاون اداری مالی شهرداری اصفهان با اعلام
این خبر گفت: پیامن پروژه احیای میدان امام
علی(ع) سبب می شود فصل تازه ای در ساماندهی
محورهای تاریخی و بازسازی فضاهای فرسوده در
اصفهان شکل کرید. سید مرتضی حسام نژاد بایان
اینکه ساماندهی بافت های فرسوده در شهرهای
تاریخی به ویژه شهر اصفهان همواره از مهم ترین
دغدغه های مدیریت شهری است از وود: احياء و
بساری بافت های نا کار آمده فضاهای فرسوده

احداث خیابان های اشراق جنوبی و شاهد روند احیای بافت فرسوده ای تسبیح می کند

آگھی مناقصہ (۲۲ - ۹۰)

شهرداری اصفهان در نظر دارد جهت اجرای پروژه‌های زیر از طریق برگزاری مناقصه انتخاب پیمانکار نماید.

نام پروژه	مبلغ برآورد اولیه تقریبی به ریال	محل تامین اعتبار شهرداری	مدت اجرا عملیات	سپرده شرکت در مناقصه به ریال
احداث مجموعه ورزشی این سینا (۹۰-۲۲-۷۸)	۳,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰//	مرکزی و منطقه ۳	۱۰ ماه	۱۷,۳۰۰,۰۰۰//
احداث خیابان خردمند حد فاصل خیابان غرضی تا بلوار تاکسیرانی - منطقه ۷ (۹۰-۲۲-۷۹)	۲,۰۵۰,۰۰۰,۰۰۰//	مرکزی	۶ ماه	۱۲,۶۵۰,۰۰۰//
احداث پارک بهشت (۹۰-۲۲-۸۰)	۱,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰//	منطقه ۷	۶ ماه	۱۰,۸۵۰,۰۰۰//
احداث سالن ورزشی جنب خانه جوان (۹۰-۲۲-۸۱)	۱,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰//	منطقه ۷	۵ ماه	۹,۸۰۰,۰۰۰//
احداث پارک فلاطوری - منطقه ۷ (۹۰-۲۲-۸۲)	۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰//	مرکزی	۳ ماه	۸,۰۰۰,۰۰۰//
اجراهای پروژه های کوچک محله محور (ساماندهی معابر و مادیها) منطقه ۲ (۹۰-۲۲-۸۳)	۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰//	مرکزی	۳ ماه	۸,۰۰۰,۰۰۰//

تذکرات:

- ◆ شرکت‌کنندگان موظف به ارائه رتبه‌بندی مرتبط از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری می‌باشد.
- ◆ پیمانکاران ملزم به ارائه اسناد و مدارک شرکت، گواهی تشخیص صلاحیت و سوابق کاری خود قبل از تهیه اسناد می‌باشند، بدیهی است تحویل اسناد مناقصه منوط به ارزیابی سوابق و توان شرکت‌کنندگان می‌باشد.
- ◆ برنده مناقصه جهت عقد قرارداد باید معادل ۵٪ مبلغ مورد پیمان را به عنوان تضمین تعهدات پیمان به صورت ضمانتنامه باشکی، اسناد خزانه یا اوراق مشارکت به شهرداری تسلیم نماید.
- ◆ واجدین شرایط می‌توانند از تاریخ ۹۰/۸/۲۶ همه روزه به جزء روزهای تعطیل به حوزه معاونت عمران شهری واقع در خیابان کاوه ابتدای اتوبان دکتر چمران مراجعه و با ارائه معهود مناقصه کتبی شرکت و سایر مدارک نیست به دار، بافت اسناد مناقصه اقدام نمایند. لازم به ذکر است کلیه اسناد مناقصه

معاهد عمان، شهاده، شهادة، اصفهان

مسایل خانوادگی دلیل قتل عام خانواده ۳ نفره در خمینی شهر

<p>رییس کل دادگستری استان اصفهان گفت: یکی از دلایل وقوع حادثه قتل خانواده ۳ نفره در خمینی شهر، مسایل خانوادگی بوده است.</p> <p>غلامرضا انصاری با اشاره به واقعه ناگوار قتل خانواده ۳ نفره در خمینی شهر اظهار داشت: متأسفانه در این حادثه مسایل خانوادگی یکی از دلایل این واقعه ناگوار بوده که در لحظات اول وقوع جرم، نیروی انتظامی و دادسرایه سرعت وارد عمل شدند و پس از شناسایی،</p>	<p>قانون برای مجازات قاتلان سه قلاوه خرس در سیمیر هیچ کمربودی ندارد.</p>
---	--

١٢٤

کارآگاه صمیمی در دفترش مشغول زیر و رو کردن رونده ها بود که ناگهان صدای تلفن اورا به خود آورد، آن لرف خط گروهیان بود که کارآگاه را در جریان قتل پیرزنی نام فربینا قرار می داد. کارآگاه سی دقیقه بعد در خانه قاتل حضور یافت. از ظواهر معلوم بود که قتل کارآفرادی شناست که با در نظر داشتن موقعیت خانه به آرامی وارد شده، پیرزن را خفه کرده و تمام موجودی گاو صندوق را خارج نموده اند. همسایگان نسبت به باز بودن درب خانه شکوک شده، به داخل خانه می روند و پیرزن را سیاه و بی بود روی صندلی مخصوصش می بینند و به پلیس اطلاع دهند. در این رابطه سه مظنون به نامهای طاهر، بابک افسین به دفتر کارآگاه صمیمی راهنمایی می شوند.

طاهر، همسر سابق فربینا بود که مدت دو سال پیش از می او طرد شده بود، چرا که طاهر فردی بیکار و بی پول بود و در مقابل فربینا زنی بساز بفروش و سرمایه دار، طاهر گفت: من اصلاً حوصله فربینا را نداشتم. این اواخر با مسامهای تلفنی اورا تهدید می کردم که اگر بیست میلیون و میمان به من پول ندهد او را خواهم کشت؛ او هم قضیبه را خواهersh اطلاع داد. روز حادثه او مرا به خانه خود راخواند و خیلی دوستانه از من خواست که فراموش کنم ما من باز هم تقاضای بیست میلیونی خود را مطرح کردم و

و هم عصبانی شده و با کارد شپزخانه به طرف من حمله ور
شد، من هم کارد را از دستش گرفتم و او را روی صندلی اش
شاندم و گردنش را فشار دادم، او هم داد و بیداد می
نمرد. من بدجوری ترسیده بودم و محکمتر گلویش را
شیردم. در همین حین یابک سر رسید و ما را از هم جدا
نمرد، من را به واحد خود برد و به مدت ده دقیقه با فریبا
مان گفت، سپس نزد من آمد و شروع به نصیحت من
نمرد. پانزده دقیقه ای نگذشته بود که صدای جیغ همسایه
با بلند شد. به سمت آپارتمان فریبا دویدیم، متاسفانه او به
قتل رسیده بود. آقای کارآگاه به خدا من قتلی را مرتکب
شده ام. یابک شاهد است که بعد از رفتن من پیرزن زنده
بود و یابک ده دقیقه با او صحبت کرد.
بابک که دانشجوی سال آخر عمران بود و پدرش آپارتمان
وبروی فریبا را برای وی اجاره کرده بود، عنوان
نمرد، بخاطر فضولی های بیهودگی پیرزن از او متفربودم. آن
وز مشغول کارکردن بر روی پروژه ام بودم که صدای کمک
فریاد بلندی را آپارتمان او شنیدم. دست پاچه شده و در
با هل دادن باز کردم. دیدم طاهر گلوی فریبا را گرفته و
پیرزن به سختی نفس می کشد و هر لحظه احتمال مرگش
جود داشت. در همان حال اختصار به من فحاشی کرد اما
من عصبانیت خود را با مشتی به دیوار کنترل کردم اما
پیرزن مدام فحاشی می کرد و مرا با القابی زننده صدا می
نمرد. عصبانی شده بودم. به همین جهت چند لگد به پهلوی
و زدم و از آپارتمان خارج شدم. آن طرف طاهر منتظر من
بود. با او صحبت کردم که این پیرزن ارزش حرف زدن
دارد. به او توصیه کردم که دور این زن را خط بکشد. در
نین این صحبتها بودیم که صدای فغان همسایه ها را
منیدیم.
افشین نوه پیرزن بود. او با قاطعیت بسیار صحبت از

قاتل بودن با بابک می کرد. او گفت: امروز بعد از یک هفته به سراغ مادر بزرگم رفتم. همین که از آسانسور بیرون مدم، قصد ورود به خانه مادر بزرگ را داشتم که دیدم بابک گلوی مادر بزرگ را گرفته و مادر بزرگ نیز نفس نمی شد؛ بابک متوجه حضور من نشده بود. نفسم بند آمده بود. شدیداً ترا سیده بودم، به همین دلیل به طبقه بالا رفتم آرام همسایه ها را خبر کردم. با هم جمع شدیم و به طرف احمد مادر بزرگم حرکت کردیم. درب را آرام با کلید باز کردم داخل رفتیم. خبری از بابک نبود و مادر بزرگ بی جان وی زمین افتاده بود. سریعاً مراتب را به اطلاع پلیس ساندم. طاهر و بابک هم پس از اینکه سر و صدای نیمسایگان را شنیدند با ظاهر سازی خاصی وارد شدند و به سر و صورت خود کوپیدند اما آقای صمیمی من مطمئنم به قتل کار با بابک است چرا که من با همین چشمها خودم خان کنند مادر بزرگم را زیر دستهای بابک دیدم. کاش در ن لحظه غافلگیر نمی شدم و به سوی او حمله ور ی گشتم.

کارآگاه صمیمی که به دقت اظهارات سه مظنون را به شسته تحریر درآورده بود، ساعتی روی این پرونده کار کرد. ابارآگاه سرخوش از گره گشایی از این پرونده بود. شما گوانتنه گرامی اصفهان زیبا بگویید که قاتل کیست و دو لالا کارآگاه من. ب شناخت قاتا حه. هم. بأشد.

باسخ معماه، قتل، عجیب و اظہاراته، عجیب تر :

پسنه سنه سنه خوبی و امehrانی خوبی بر .

تشخیص قاتل قربان کارساده ای بود. چون که شهریار به
حتی دچار نوع تناقض گویی فاحش شد :

۱- شهریار مدعی بود که اصلا رانندگی بدل نیست و بعدا
ر خلا ل حرفهایش عنوان کرد وقتی قربان را
یده، ماشینش را در کناری پارک کرده است.

۲- شهریار گفت وقتی قربان را دیده، گوشی تلفن
نمرا هش را ب او داده که زنگ بزند اما معتبر شد که بیست
قیقه بعد، وقتی جسد مقتول را دیده موبایل نداشته که
قربان را به پلیس اطلاع دهد. بنابراین قتل تنها می
باشد.

تقدیر از ناجی ۴۰ مسافر یک اتوبوس

در جشنواره شهر و ند نمونه انجام گرفت:



نده نشسته بودم، نزدیکی های گردنه ملااحمد بن اصفهان بودیم که راننده چون شاگردش ایده بود از من دستمال کاغذی خواست.
استعمال کاغذی را که به او دادم نگاهم به شانی پراز عرقش افتاد هنوز دستمال را از من رفته بود که بی اختیار سرش به روی فرمان افتاد منتقل اتوبوس از دشت خارج شد، اتوبوس وع بر لرزیدن کرد و به این طرف و آن طرف می تازگاهان صدای جیغ مسافران بلند شد و ترس حشت تمام وجودشان را فاگرفت.
دادیدن این صحنه من در یک اقدام سریع فرمان را فهم و به سمت بیرون از جاده هدایت کرده و بعد هم نزدستی را کشیدم با ایستان اتوبوس مسافران وع به کف زدن فریاد شادی سردادن و من نباید از م مقابل حوادث اطراف خود بی تفاوت بگزند و کوتاهی کنند بلکه باید هرچه از دستشان بر می آید برای خدمت به دیگر شهروندان خود نجات دهم. دنده خطربنا کی مواجه شوند نجات دهم.
بعد از اینکه از اتوبوس پیاده شدیم موضوع را با ماره ۱۱۰ و اورژانس اطلاع دادیم که با ۱۱۵ به لیلیس و اورژانس فوریت های بیلیسی ۱۱۰ باشد.

۴۰ متر انتظار تا مرگ!

وی افزود: در این حادثه علاوه بر این راننده جوان، نگهبانی که در داخل کانکس بوده نیز کشته شده است.

ریبیس پلیس راهنمایی و رانندگی شهرستان اصفهان تصریح کرد: علت این حادثه سرعت شست: ساعت ۴ بامداد جوان ۲۷ ساله‌ای که با خودروی سانتفه در خیابان شگاه در حال حرکت بود هنگام ورود به میدان دی به کانکس نگهبانی مترو برخورد کرده و سس با ورود به کارگاه مترو درون گودال

کرد و گفت: بازم رفته دادگاه، دست بردار... مردی بهتر از من پیدا نمی کنی. چیزی نگفتم، دوساعتی نگذاشته بود که احمد بلندشد و دست دخترم بهارا گرفت؛ گفتم احمد تورو خدا به آن کاری نداشته باش هنوز درد دستاش خوب نشده... تلخیدی زد و گفت چرا جلوی عشق ورزیدن

من به دخترم رامی گیری، بهارم دستت خیلی سوخته، بخشید بابا من
نمی خواستم این اتفاق برای تو بیفته.
بهارم حرف های دروغ پردرش را باور نمی کرد و سعی داشت از او دور
شود اما احمد گفت خوایه هم بستنی بخوبیم؛ زود برمی گردیم...
بهارم که اسم بستنی را شنید به دنبال احمد روانه مغافر شد یک ساعت
بعد احمد برگشت؛ بهش گفتم احمد؛ بهاری شد؟
گفت: گم شده، نمی دانم داشتم بستنی می خردید دیگر نمی داشتم.
آن موقع بود که دنیا به سرم خراب شد تا ظهر آن روز همه جا را دنبال
بهارم گشتم ولی هیچ اثری از بهارم نبود. موضوع راه به پلیس اطلاع دادم
دور روزی و وضع براین منوال بود و من هر روز چشم انتظار برگشتن بهارم
بودم... تاینکه یک روز زنگ خانه به صدا درآمد. فریم جلوی در پلیس
بود ولی خبری از دخترم نبود گفتم آقا تورو خدا زودتر بگید بهارم چی
نمی خواستم این اتفاق برای تو بیفته...

شده... مردش رای زیر ارادت و هفت همراه بیانید، سرراه فکتم
کالاتری محل مامست دیگر است شما کجا می روید؟

مامور چیزی نگفت اما وقتی تابلوی پزشکی قانونی را دیدم دیگر
ایمید نالمیدشد. پله ها رنمی توانتی بالا بروم، دستام می لرزید و
چشمانت نمی دید. در سرداخنه زنی بالباس سفید ایستاده بود و به محض
دیدن من کشوبی را بیرون کشید و ملحفه را کتا زدم، نه بهار... بهار...
همه کسم... دنیای من... دیگر چیزی نفهمیدم.

وقتی بعد از به گفته پدر ۵ روز بهوش آدم فهمیدم که همسرم دختر
۵ ساله ام را در آن روز به بهانه خردید بستی بیرون برده و در راه چون
دختر علاوه بر بستی، چیزهای دیگری نیز از او می خواسته، احمد
عصبانی شده و گلوی بهارم احکام گرفته و خفه اش کرد.
وقتی احمد به خودش آمده سر افتاده و چشمان بسته دخترم را
روی دستانش حس کرده و چون ترسیده بود او را داخل چاهی در
آن نزدیکی اندادخته بود.

خدای من.... شیمین در حالیکه صدایش می لرزید، هق هق گریه
امانش نمی داد.

بال نوب مسن است. فریاد مدر
شده بود... اما با شنیدن صدای
بیگویم، دست های دخترم به علت
آن قلایم شده بود، سوخت...

وضعیت مناسبی نداشت با فریاد
بیرون دوید تا شاید راهی پیدا کند
با شنیده بودند وی را به بیمارستان
وود... تقریبا ماما رامی شناخت وقتی
به او گفتمن تو رو خدا استای دخترم
نه نیستم... دختر مهمه... بهارم
ظر این موضوع به دادگاه رفت و
مسرم تشکیل دادم.

خبر
گروه حوادث

در جشنواره شهر وند برگزیده، فردی که سال گذشته جان ۴۰ نفر از مسافران اتوبوس مسافربری در گردنۀ ملا احمد نایین به اصفهان را نجات داده بود به عنوان شهر وند نمونه انتخاب و با اعطای اهدیه و تندیس جشنواره از او تقدیر به عمل آمد.

علیرضا صنعتی "جانی ۲۷۲" ساله است که سال گذشته توanstه بود هنگامی که راننده اتوبوس مسافربری حین رانندگی دچار سکته مغزی می شود و ترس و وحشت تمام وجود مسافران را فرا می گیرد، در یک اقدام سریع اتوبوس را به کنار جاده هداخت کرده و باعث نجات جان ۴۰ مسافر داخل اتوبوس شود.

وی در گفت و گویی در تشریح جزئیات واقعه گفت: ۱۳ شهریور سال ۹۸ بودکه من به اتفاق همسرم با یک دستگاه اتوبوس مسافربری از مشهد به اصفهان می آمدم، و بر حسب اتفاق در صندلی پشت

دانشگاه حرکت می‌کرد با کانکس زگهبانی مترو سرعت بالا در خیابان بر خود و در گودال 40° متری سقوط کرد.

سرهنج حسین غلامی در گفتگو با اشاره به جوانی ۲۷ ساله که با خبر

Internationalization

دشنهای، «شیشه»، «عمر دخت ۵ ساله اش را اشکست.

پاسخ تمام این سال ها تحمل
می خواهد جواب زحماتم را بدده
یک پارچ اسید بود که زندگی امرا
برای همیشه... عصر آن روز
بازی در حیاط خانه بود... احمد
اسید را به سمت او پاشیده بود...
سوخته و کمی از اسیدها نیز به
احمد گفت شیرین ییامی خواه
طبق معمول دنبال من راه افتاد
حالش بهتر شد و می خواهد بع
هنوز در این فکر بودم که ناگهان
تمام صورت می سوخت
پوست صورت را می دیدم که
میان خنده های عصبي احمد
گریه بچه ام، درد خودم بادم
... نمی دالم از کجا این زندگی
پاشیده شدن اسید در حالیکه پاش
آن روز در حالیکه شیرین پول
کودکش را در آغوش گرفته و از
برای نجات... اهالی که صدای
می رسانند اما...
درمانگاه در همان کوچه خود
وضعیتم را دیده سعی کرد کم کم
را هر طور می تونی خوب کن، من
طاقت نداره... چند روز بعد به
پروندهای درخصوص اسید پاش
زمینیکه به خانه برگشتم احمد
مشروب مست کنار اتاق افتاده بود
شیرین در یک روز سرد زمستانی مجبور شد که یکی از کلیه هایش را
بفروشید... وقتی داشت در مورد این مطلب حرف می زد گویی کوهی از
غم بر داش نشسته... در این باره بارج حرف می زد...
... گوشی را برداشتم به شماره هایی که از دیوار بیمارستان ها برداشته
بودم و می دانستم خریدار کلیه هستند زنگ زدم... او کلیه اش را به
قیمت یک روز تقریح کاخنشینان شمال تهران فروخته بود... تها چهار
میلیون تومان... ناقابل برای عضوی مهم از بدن یک تن...
.... چشمتان روز بد نینید... و قی احمد از این موضوع مطلع شد
زنده گم راسیاه کرد و پول را خلف دو ماہ از دستم بیرون کشید و دود
کرد رفت هوا...
زن در حالی که چشمان عسلی رنگش را به زور باز نگه داشته بود...
گفت: ناراحت از دست دادن پول هایم نیستم... چون حداقل بهار چند
روزی طعم پرآورده شدن آرزوهایش را چشید.
... این زندگی که نه... نکت همینطور ادامه داشت و من هر روز به
دادگاه می رفتم و دادخواست های متعدد را پر می کردم... تمبر
می زدم... از این اتفاق به آن اتفاق می رفتم... هر کس و ناکس را می دیدم
تا اینکه بتوانم حق خود را از دنیا بگیرم... از احمد... از همه کسانی که در
حق ظلم کردن... اما در این میان تمبر باطله به زندگی خودم هم
می خورد و هیچ اتفاقی برای رهاسدن از دست این مردم نمی افتاد.
در این میان کار احمد تنها شده بود تهدید و آزار... تا اینکه یک
روز احمد گفت اگر دوباره به دادگاه بروم و دنبال طلاق بشام،
زنگی ام را می گیرد....
و بالاخره آن روز سپاه رسید. روزی که شیرین قربانی شفاقت احمد شد
و تا آخر عمر نشانی ظلم یک مرد بر چهره اش نمایان ماند... شیرین در
توضیف آن روز سپاه چینی می گفت: احمدان روز دایم بیرون می رفت و
کمتر چرت می زد... انگار سر حال تربود... دمام با خود حرف می زد و
انگار دو دوتا چهارتا کی کرد. شاید خواست کاری کند... اما واقعی عصر
به خانه آمد و هدایه ای سوزناک برایم آورد، تازه فهمیدم سعی می کرده
دو اخونه کرد. حتماً این دفعه دادگاه دیگر حق را به من می دهد چون همه
دلایل برای اثبات جرم همسرم مهیا است.
خبرگزاری فارس: مردشیشه ای "شیشه" عمر دختر ۵ ساله اش را
شکست.
پنهان دانه های برف، زمین را سپید کرده بود اما گویی این سپیدی
هیچ تاثیری بر زندگی سیاه من نمی گذاشت، نمی توانست که
بگذارد... چرا که شاید قلبیاف تار و پود زندگی من بختم را با نخ
های سیاه بافته بود... نمی دانم... این خلاصه سرگذشت دختری
بود که نامش به شیرینی زندگی اش نبود... شیرین...
او سه سال بود که هر روز به همراه پدر پیرش به دادگاه می رفت
اما نمی توانست از همسرشیشه ای اش طلاق بگیرد، چرا که هنوز
توانسته بود اعتیاد او را ثابت کند.
در این مدت هر روز مزه دست های احمد را که به جای نان آوری؛
نان بر خانواده بود می چشید... وقتی نششگی اش بالا بود قصد
سرگرمی داشت!!!
روزها ادامه داشت و شیرین هر روز در راهروهای دادگاه پیتر و پیتر
می شد: یک روز را این ادعاه که همسرش قصد کشتن او و بجهة اش را دارد
پیش قاضی می رفت و دیگر روز به امید اثبات اعتیاد همسرش...
شیرین دیگرگنی می داشت چه کندر حالیکه اش کاز دیدگانش سرازیر
بود و تنها به امید خدابه خانه برگشت.
روزی که وقت شد در داش را برایم بازگو نکند، شاید امیدش بیشتر شد
برای رهایی از این زندگی... شاید هم مرحمی برای زخم هایش
می خواست... نمی دانم...
می گفت: در ماه های اخیر وضعیت زندگیمان بد شده بود هر روز درین
از دیروز، دیگر همسرم حس و حال کارکردن نداشت و اگر پولی هم از
فروختن اسباب و اثاثیه خانه مان درمی آورد، خرج اعتیادش می شد.
... بهار، دخترم از بس حسرت میوه و لباس و اسباب بازی بر داش
مانده است... که حتی نامشان را هم فراموش کرده... از نان و پنیر خسته
شده... دیگر نمی دانم باید چه کار کنم...

وسیله نقلیه مسروقه در اصفهان

خبر  ماموران فرماندهی انتظامی شهرستان اصفهان طی هفت ماهه اول سال جاری نزدیک به سه هزار دستگاه وسیله نقلیه مسروقه را کشف و ضبط کردند.

به گزارش اصفهان زیبا، سرهنگ "محمد علی بختیاری" فرمانده انتظامی کلان شهر اصفهان با اعلام این مطلب اظهار داشت: طی هفت ماه نخست سال جاری طرح های متعددی در راستای کشفیات وسایل نقلیه مسروقه توسط ماموران این فرماندهی به اجرا گذاشته شد.

وی افزود: در این رابطه تعداد دوهزار و ۹۸۸ وسیله نقلیه مسروقه، که تعدادیک هزار و ۵۴۹ مورد آن خودرو و تعداد یک هزار و ۴۳۹ دستگاه موتورسیکلت مسروقه بوده است.

این مقام مسئول تصریح کرد: در انجام این عملیات ها، تعدادی از سارقان حرفه ای و مناسی برای اعمال خلاف قانون نخواهد بود.

کشف بیش از ۶۰۰ قبضه انواع سلاح سرد در اصفهان

فرازمانده انتظامی شهرستان اصفهان با بیان اینکه در این عملیات مجموعاً تعداد ۶۲۹ قبضه انواع سلاح سرد کشف و ضبط شده است گفت: در این رابطه فردی به نام "قیروز-س" ۶۲ ساله به اتهام تهیه و توزیع سلاح های سرد دستگیر شد.

وی با اشاره به اینکه اینگونه کشفیات به شدت موجب کاهش آمار بسیاری از جرائم از جمله قتل ها، زورگیری، نزاع های دسته جمعی، شکستن شیشه های خودرو ها و... می شود، گفت: کشفیات سلاح سرد در جامعه منجر به کاهش قتل های خشن می گردد چرا که جوانان در نزاع های دسته جمعی از اینگونه سلاح ها استفاده می کنند که می توانند عاقوب ناگواری را برای فرد خاطی و مضروب به دنبال داشته باشد.

سرهنجک "بختیاری" در پایان با بیان اینکه متهم به همراه پرونده چهت سیر مراحل قانونی تحويل مراجع قضایی شد به آن دسته از افرادی که در زمینه خرید و فروش سلاح سرد فعالیت دارند، هشدار داد: پلیس اصفهان در این زمینه به شدت وارد شده و چنانچه مشاهده شود افرادی در این خصوص فعالیت دارند با آنان اتفاق نمی افتد.

خبر

زن در حالی که قسمت هایی از صورتش

را به دلیل اسیدپاشی همسر معتقدش از

دست داده بود، گفت: احمد ضمین سوزاندن دست های دختر ۵ ساله ام او را خفه کرد. حتماً این دفعه دادگاه دیگر حقوق را به من می دهد چون همه

دلایل برای اثبات جرم همسرم مهیا است.

خبرگزاری فارس: مردشیشه‌ای "شمیشه" عمر دختر ۵ ساله اش را شکست.

پنیه دانه های برف، زمین را سپید کرده بود اما گویی این سپیدی

هیچ تاثیری بر زندگی سیاه من نمی گذاشت، نمی توانست که بگذارد... چرا که شاید الیاف تار و پود زندگی من بختنم را بخ

های سیاه بافتنه بود... نمی دانم... این خلاصه سرگذشت دختری بود که نامش به شیرینی زندگی اش نبود... شیرین...

او سه سال بود که هر روز به همراه پدر پریش به دادگاه می رفت اما نمی توانست از همسرشیشه ای اش طلاق بگیرد، چرا که هنوز

توانسته بود اعتیاد او را ثابت کند.

در این مدت هر روز مزه دست های احمد را که به جای نان آوری؛ نان بر خانواده بود می چشید... وقتی نششگی اش بالا بود قصد

سرگرمی داشت!!!

روزها ادامه داشت و شیرین هر روز در راهروهای دادگاه پیرتر و پیتر

می شد؛ یک روز با این ادعاهک همسرش قصد کشتن او و بچه اش را دارد پیش قاضی می رفت و دیگر روز به امید اثبات اعتیاد همسرش...

شیرین دیگر نمی دانست چه کندر حالیکه اشک از دیدگانش سرازیر بود و تنها به امید خدا به خانه برگشت.

روزی که وقت شد دشدش را بریم بازگو کند، شاید امیدش بیشتر شد برای رهایی از این زندگی... شاید هم مرحمی برای زخم هایش

می خواست... نمی دانم...

می گفت: در ماه های اخیر و ضعیت زندگیمان بدشده بود هر روز در بیرون از دیبور، دیگر همسرم حس و حال کارکردن نداشت و اگر پولی هم از

فروختن اسباب و اثاثیه خانه مان درمی آورد، خرج اعتیادش می شد.

بهار، دختنم از بس حسرت میوه و لباس و اسباب بازی بر داش مانده است... که حتی نامشان را هم فراموش کرده... از نان و پنیر خسته

شده... دیگر نمی دانم باشد چه کار کنم...

مردشیشه

شیرین در یک روز سرد زه

بفروشید... وقوی داشت در مر

غم بر دلش نشسته... در این

گوشی را برد ادامت هش

بودم و می دانستم خریدار

قیمت یک روز تقریباً کاخ نش

میلیون تومان... ناقابل برای

چشمتان روز بدبیند

زنده گیم را سیاه کرد و پول را

کرد رفت هوا...

زن در حالی که چشم ان

گفت: تراحت از دست دادن

روزی طعم برآورده شدن آرزوی

این زندگی که نه... نک

دادگاه می رفتم و دادخواه

می زدم... ازین اتفاق به آن آغاز

تا اینکه بتوانم حق خود را ازد

حقم ظلم کردن... اما در ا

می خورد و هیچ اتفاقی برای

در این میان کار احمد تا

روز احمد گفت اگر دوباره

زنده ام را می گیرد...

والآخره آن روز سیاه رسید

و تا آخر عمر نشانی ظلم یک

تصویف آن روز سیاه چنین می

کمتر چرت می زد... انگار اس

انگار و دوتا چهارها تا می کرد...

به خانه آمد و هدیه ای سوزن

اوقات شرعی	
۵:۷	اذان صبح:
۶:۳۱	طلاو آفتاب:
۱۱:۴۷	اذان ظهر:
۱۷:۲۳	اذان مغرب:
۲۳:۰۵	نیمه شب شرعی:
۱۸	آب و هوا
۴	شیر اصفهان